

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده سینما و تئاتر

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته کارگردانی

## عنوان

بررسی جنبه‌های نمایشی مراسم زنانه دوره قاجار

استاد راهنما

شهرام زرگر

عنوان بخش عملی

بلیت تئاتر

استاد راهنمای بخش عملی

هایده حائری

نگارش و تمقیق

محمد هادی بی‌کینه

تیر ۱۳۸۹

چکیده فارسی

مراسم رایج در هر سرزمین بخش عمده ای از فرهنگ آن سرزمین را تشکیل داده و نشانگر اعتقادات، نیازها، رنج‌ها و... مردمان آن منطقه می باشند. در هر دوره تاریخی برخی مراسم رواج بسیاری می یافتند و برخی از رواج می افتادند. دوره قاجار یکی از دوره‌هایی است که در آن مراسم مختلفی برپا می شدند. این مراسم به علت جدایی جامعه مردان از زنان به صورت جداگانه برپا می شدند. مراسم زنانه بیش تر در اندرونی خانه‌ها برپا می شدند و به علت بی سواد بودن زنان و کم اهمیت شمرده شدن این مراسم از سوی مردان، کوشش چندانی برای ثبت آن نشده است. در این پژوهش سعی شده مراسم مختلف زنانه رایج در این دوره گردآوری شده و سپس به بررسی جنبه‌های نمایشی آن پرداخته شود. مراسم زنانه این دوره عبارت بودند از: مراسم مربوط به سورها، سوگ‌ها، نذرها، عقاید خرافی و نیازهای روزمره. نمایش جزء جدایی ناپذیر بسیاری از مراسم زنانه این دوره بود و کمتری مراسم زنانه پیدا می شد که عاری از جنبه‌های نمایشی باشد. تعزیه، تقلید، روضه، مولودی، نقل، معرکه، استفاده از عروسک، استفاده از گفتگو و بازی جنبه‌های نمایشی رایج در این مراسم زنانه بودند.

**واژگان کلیدی:** نمایش - زنان - قاجار - مراسم زنانه

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- فصل اول: مقدمه ..... ۱
- فصل دوم: پیشینه مطالعاتی: موقعیت زنان در دوره قاجار ..... ۵
- ۱-۲: ایران در دوره قاجار..... ۶
- ۲-۲: خلیفه گرایی دربار قجر و عرب زدگی عامه..... ۸
- ۳-۲: اندرونی های قاجار..... ۱۰
- ۱-۳-۲: آغامحمدخان، اولین حرمسرا دار قاجار..... ۱۱
- ۲-۳-۲: فتحعلی شاه، بابا آدم قاجار..... ۱۱
- ۳-۳-۲: محمد شاه، شاه بیمار و بی حرم..... ۱۲
- ۴-۳-۲: ناصرالدین شاه، حرمسرانشین بزرگ کاخ..... ۱۲
- ۵-۳-۲: از رواج افتادن حرمسرا در دوره قاجار..... ۱۲
  
- فصل سوم: چارچوب نظری: نذرها، سوگها و سورها، مراسم مربوط به زندگی روزمره..... ۱۴
- ۱-۳: نذرها..... ۱۵
- ۱-۱-۳: آشها..... ۱۵
- ۱-۱-۱-۳: آش ابودردا..... ۱۵
- ۲-۱-۱-۳: آش اُمّاج کُماج..... ۱۷
- ۳-۱-۱-۳: آش نخود لاله الا الله..... ۱۸
- ۲-۱-۳: سمنوپزان ..... ۱۹
- ۳-۱-۳: سفرهها..... ۲۰
- ۱-۳-۱-۳: سفره بی بی حور و بی بی نور ..... ۲۰
- ۲-۳-۱-۳: سفره بی بی سه شنبه..... ۲۱
- ۳-۳-۱-۳: سفره حضرت ابوالفضل..... ۲۲
- ۱-۳-۳-۱-۳: بحر طویل خوانی سفره ..... ۲۳

- ۲۳..... ۴-۱-۳-۳: آجیل مشکل گشا
- ۲۶..... ۲-۳: سورها و سوگ ها
- ۲۶..... ۱-۲-۳: ازدواج
- ۲۷..... ۱-۱-۲-۳: خواستگاری
- ۲۸..... ۲-۱-۲-۳: بله بری
- ۲۸..... ۳-۱-۲-۳: شیرینی خوران
- ۲۹..... ۴-۱-۲-۳: عقدکنان
- ۳۱..... ۵-۱-۲-۳: حنابندان
- ۳۲..... ۶-۱-۲-۳: عروس بران
- ۳۲..... ۷-۱-۲-۳: عروسی
- ۳۳..... ۱-۷-۱-۲-۳: جلوه دادن
- ۳۳..... ۸-۱-۲-۳: روز پاتختی
- ۲۴..... ۲-۲-۳: جشن کشته شدن ابن ملجم
- ۳۵..... ۳-۲-۳: عید فطر
- ۳۵..... ۱-۳-۲-۳: مقابله قرآن
- ۳۵..... ۲-۳-۲-۳: دست بوسی سید
- ۳۵..... ۴-۲-۳: عمرکشان
- ۳۶..... ۱-۴-۲-۳: روضه عمر
- ۳۶..... ۲-۴-۲-۳: هیکل سازی و هیکل سوزی
- ۳۷..... ۵-۲-۳: عید غدیر
- ۳۷..... ۵-۲-۳: عید قربان
- ۳۸..... ۶-۲-۳: سوگ ها
- ۳۸..... ۱-۶-۲-۳: شهادت حضرت علی (ع)
- ۳۹..... ۲-۶-۲-۳: عاشورا
- ۳۹..... ۳-۶-۲-۳: مراسم ختم
- ۴۰..... ۴-۶-۲-۳: رفتن به گورستان ها
- ۴۱..... ۱-۴-۶-۲-۳: رسم زنان سوگوار لرستان
- ۴۲..... ۳-۳: مراسم مربوط به زندگی روزمره

- ۴۳ ..... ۱-۳-۳: زایمان
- ۴۳ ..... ۲-۱-۳-۳: حجله گیری - چله گیری
- ۴۴ ..... ۱-۲-۱-۳-۳: چله بری
- ۴۵ ..... ۳-۱-۳-۳: بستن قفل طلسم دار
- ۴۶ ..... ۴-۱-۳-۳: مراسم روز زایمان
- ۴۶ ..... ۵-۱-۳-۳: آل
- ۵۲ ..... ۶-۱-۳-۳: حصارکشیدن
- ۴۷ ..... ۷-۱-۳-۳: اسم گذاران
- ۴۷ ..... ۸-۱-۳-۳: عقیقه
- ۴۸ ..... ۹-۱-۳-۳: آب چله
- ۴۸ ..... ۱۰-۱-۳-۳: نافبران
- ۴۹ ..... ۲-۳-۳: بخت گشایی
- ۴۹ ..... ۱-۲-۳-۳: مناره ته برنجی
- ۵۰ ..... ۲-۲-۳-۳: توپ مروارید
- ۵۰ ..... ۳-۲-۳-۳: بخت گشایی شب چهارشنبه سوری
- ۵۱ ..... ۴-۲-۳-۳: پیراهن مراد
- ۵۲ ..... ۵-۲-۳-۳: بخت گشایی بیست و هفتم ماه رمضان
- ۵۳ ..... ۳-۳-۳: طلسم‌های مهر و محبت
- ۵۴ ..... ۱-۳-۳-۳: سوزن غسله
- ۵۴ ..... ۲-۳-۳-۳: چوب سواحل
- ۵۴ ..... ۳-۳-۳-۳: مهره خر
- ۵۵ ..... ۴-۳-۳: تخم مرغ نظر
- ۵۵ ..... ۵-۳-۳: بی بی شهربانو
- ۵۷ ..... ۶-۳-۳: چهل روز آب و جارو
- ۵۷ ..... ۷-۳-۳: آب غوره گیری رقصان
- ۵۸ ..... ۸-۳-۳: سرکه انداختن
- ۵۹ ..... ۹-۳-۳: روغن گیری
- ۶۰ ..... ۴-۳: مراسم زنان درباری

- ۶۱ ..... ۱-۴-۳: سوگهای زنان اندرونی
- ۶۱ ..... ۱-۱-۴-۳: تعزیه
- ۶۲ ..... ۲-۱-۴-۳: روضه‌های زنانه
- ۶۳ ..... ۳-۱-۴-۳: درگذشت بزرگان
- ۶۳ ..... ۲-۴-۳: سوره‌های زنان درباری
- ۶۴ ..... ۱-۲-۴-۳: جشن‌های مذهبی
- ۶۴ ..... ۱-۱-۲-۴-۳: عمرکشان
- ۶۵ ..... ۲-۱-۲-۴-۳: عید الزهرا
- ۶۶ ..... ۳-۱-۲-۴-۳: جشن میلاد امام حسین
- ۶۷ ..... ۲-۲-۴-۳: بزم‌های زنانه
- ۶۷ ..... ۱-۲-۲-۴-۳: بازی لاسکنه
- ۶۷ ..... ۲-۲-۲-۴-۳: مهمانی عصمت الدوله
- ۶۹ ..... ۳-۲-۴-۳: دیدار با قمرالسلطنه
- ۷۰ ..... ۴-۲-۴-۳: کلوخ اندازان
- ۷۰ ..... ۱-۴-۲-۴-۳: جشن کلوخ اندازان ملکزاده
- ۷۱ ..... ۵-۲-۴-۳: بزم در حمام
- ۷۳ ..... ۳-۴-۳: زیارت در اندرون
- ۷۴ ..... ۴-۴-۳: مراسم تشریفاتی سلطنتی
- ۷۴ ..... ۱-۴-۴-۳: سلام زنانه
- ۷۵ ..... ۲-۴-۴-۳: جشن میلاد شاه
- ۷۶ ..... ۱-۲-۴-۴-۳: جشن میلاد فتحعلیشاه
- ۷۶ ..... ۲-۲-۴-۴-۳: جشن میلاد ناصرالدین شاه
- ۷۶ ..... ۳-۴-۴-۳: عروسی زنان خانواده شاهی
- ۷۷ ..... ۱-۳-۴-۴-۳: تشریفات عروسی زنان قجر در دوره فتحعلیشاه
- ۷۸ ..... ۲-۳-۴-۴-۳: بزرگ‌ترین جشن عروسی در دوره قاجار
- ۷۹ ..... ۵-۴-۳: مراسم زنانه شاهان قاجار
- ۷۹ ..... ۱-۵-۴-۳: مراسم سیزده فروردین در دربار فتحعلی شاه

- ۳-۴-۵-۲: مراسم حمام سرسره ..... ۸۰
- ۳-۴-۵-۳: آداب و رسوم خوابگاه فتحعلی شاه..... ۸۱
- ۳-۴-۵-۴: مراسم دوره ناصرالدین شاه..... ۸۱
- ۳-۴-۵-۱: سیزده بدر..... ۸۲
- ۳-۴-۵-۲: خردوانی..... ۸۲
- ۳-۴-۵-۵: بازی‌های زنانه ناصرالدین شاه ..... ۸۳
- ۳-۴-۵-۱: بالماسکه شاهی (صورت بازی)..... ۸۳
- ۳-۴-۵-۲: الک و دولک شاهی ..... ۸۴
- ۳-۴-۵-۳: بازی چراغ خاموش کنی..... ۸۴
- ۳-۴-۵-۶: مراسم حمام مرمر ..... ۸۶
- ۳-۴-۵-۷: جشن‌های تاج گذاری مظفرالدین شاه ..... ۸۶

▪ فصل چهارم: بدنه تحقیق: جنبه‌های نمایشی در مراسم زنانه دوره قاجار..... ۸۷

- ۴-۱: شبیه خوانی ..... ۸۸
- ۴-۱-۱: شبیه خوانی زنانه ..... ۸۹
- ۴-۱-۲: آموزش شبیه خوانان زن ..... ۸۹
- ۴-۱-۳: موسیقی سازی ..... ۹۰
- ۴-۱-۴: سوارکاری شبیه خوانان ..... ۹۰
- ۴-۲: نمایش‌های شادی آور زنانه ..... ۹۲
- ۴-۲-۱: مطرب‌های زنانه دوره فتحعلی شاه ..... ۹۳
- ۴-۲-۱-۱: استاد زهره- استاد مینا ..... ۹۳
- ۴-۲-۲: آموزش زنان تقلیدچی ..... ۹۴
- ۴-۲-۳: مطرب‌های زنانه دوره ناصرالدین شاه ..... ۹۴
- ۴-۲-۳-۱: منور شیرازی..... ۹۴
- ۴-۲-۳-۲: زعفران باجی..... ۹۴
- ۴-۲-۳-۳: قدمشاد..... ۹۴
- ۴-۲-۴: مطرب‌های زنانه دوره مظفرالدین شاه ..... ۹۵
- ۴-۲-۴-۱: منور- گلین ..... ۹۵



- ۹۵ ..... ۵-۲-۴: مطرب‌های زنانه دوره محمدعلی شاه
- ۹۶ ..... ۶-۲-۴: نمایش‌های شادی آور زنانه در دوره ناصرالدین شاه
- ۹۷ ..... ۱-۶-۲-۴: خاله رو رو
- ۱۰۴ ..... ۷-۲-۴: بازیگری
- ۱۰۵ ..... ۸-۲-۴: مکان و صحنه نمایش
- ۱۰۵ ..... ۹-۲-۴: لباس
- ۱۰۵ ..... ۱۰-۲-۴: موسیقی
- ۱۰۵ ..... ۱۱-۲-۴: محتوای نمایش‌های زنانه
- ۱۰۶ ..... ۱۲-۲-۴: زمان برپایی نمایش‌های شادی آور زنانه
- ۱۰۶ ..... ۳-۴: نقل‌های زنانه
- ۱۰۶ ..... ۱-۳-۴: افسانه سازی و افسانه گویی
- ۱۰۷ ..... ۱-۱-۳-۴: قصه های ننه خانم به روایت مشهدی گلین خانم
- ۱۰۷ ..... ۲-۳-۴: مثنوی خوانی
- ۱۰۸ ..... ۳-۳-۴: افسانه‌های شفادهنده
- ۱۰۹ ..... ۴-۳-۴: روضه زنانه
- ۱۰۹ ..... ۱-۴-۳-۴: روضه امام حسین
- ۱۱۰ ..... ۲-۴-۳-۴: روضه حضرت عباس
- ۱۱۰ ..... ۵-۳-۴: روضه عمر
- ۱۱۰ ..... ۶-۳-۴: مولودی خوانی
- ۱۱۲ ..... ۷-۳-۴: نقالی‌های زنانه شاه
- ۱۱۲ ..... ۸-۳-۴: نقالی‌های زنانه شاد شاهانه
- ۱۱۲ ..... ۴-۴: معرکه‌های زنانه
- ۱۱۳ ..... ۵-۴: عروسک‌بازی
- ۱۱۴ ..... ۶-۴: گفتگو - تک‌گویی
- ۱۱۴ ..... ۷-۴: بازیگری
- ۱۱۵ ..... ۸-۴: شخصیت
- ۱۱۶ ..... فصل پنجم: نتیجه‌گیری

## فصل ۱:

مقدمه

آداب، رسوم و مراسم در هر سرزمین، بخش مهمی از فرهنگ آن سرزمین را تشکیل می‌دهد و بیانگر خواسته‌ها، اعتقادات و احساسات آن ملت می‌باشد. بسیاری از مراسم سابقه‌ای کهن دارند که به مرور زمان تغییر شکل داده یا از بین رفته‌اند اما این تغییرات در طول سال‌ها هیچ‌گاه ثبت نشده‌اند. ثبت این مراسم به صورت جدی، به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ایران زمین، از ابتدای سده ی حاضر آغاز شده است که البته صورتی همه‌گیر هم نداشته و تنها در چند شهر بزرگ و مهم صورت گرفته است؛ در واقع این رسم‌ها، بازمانده ی مراسمی است که از دوره ی قاجار برجای مانده است. دوره قاجار، یکی از دوره‌های طولانی‌مدت پادشاهی ایران بود؛ این دوره با کشتار و خونریزی بسیار آغاز گشته و با کشتار و خونریزی نیز به پایان رسید. این دوره دستاوردی مهم برای ملت نداشت و شاهان قجر جز بدبختی و بدنامی چیزی از خود برجای نگذاشتند.

مردم این دوره آخرین میراث‌دارهای مراسم مختلفی بودند که از نسل‌های قبل به آن‌ها رسیده بود. اینان که افرادی گرفتار در چنگال بی‌سواد، خرافه، سنت‌گرایی و تعصب بودند، به برپایی مراسم مختلف اهمیت بسیاری می‌دادند. مذهبی بودن این مردم نیز به بیشتر مراسم، جنبه مذهبی می‌بخشید. البته شکل برپایی این مراسم در میان زنان و مردان یکسان نبود.

وجود تعصبات خشک در جامعه مرد محور، باعث به وجود آمدن دو جامعه مختلف مردانه و زنانه شده بود. اختیار جامعه زنانه با مردان بود. زنان حق اظهارنظر و تصمیم‌گیری در مورد خود را نیز نداشتند. وظیفه زنان خانه‌داری و مکان زندگی‌شان اندرونی خانه‌ها بود. آنان حتی حق خروج از خانه، بدون اجازه مردان سرپرست خانوار را نداشتند.

زنان در چنین شرایطی به صورت جداگانه، به برپایی مراسم مختلف می‌پرداختند. در این مراسم زنانه به وجود جنبه‌های مذهبی برای آرامش یافتن و اندوختن ثواب برای دنیای دیگر، هم‌چنین ایجاد سرگرمی در میان مراسم، برای کاستن از شرایط سخت حاکم بر زنان، نیاز بسیاری احساس می‌شد و به نظر می‌رسد این نوع نیازها و نیازهای دیگر از این دست، باعث رونق گرفتن هرچه بیشتر مراسم زنانه می‌شده است.

احساس نیاز به سرگرمی در میان زنان، یکی از نیازهایی بود که باعث به وجود آمدن جنبه‌های نمایشی در میان مراسم زنانه می‌شد و حتی می‌تواند باعث برآمدن نمایش‌های زنانه از میان مراسم مختلف دیگر نیز شده باشد.

در مورد شکل‌گیری نمایش و یا جنبه‌های نمایشی زنانه، تاکنون پژوهش‌های جدی‌ای صورت نگرفته است. اما در برخی از کتاب‌های خاطرات، تاریخ و سفرنامه‌های مربوط به دوره قاجار اشاره‌های اندکی به برپایی برخی از این مراسم زنانه شده است که البته علت اصلی این اندک نویسی، عدم امکان حضور مردان بیگانه در اندرونی خانه‌ها و عدم بطاعت زنان در ثبت و ضبط این رویدادها بوده است. این شرایط با غیرمسلمان بودن سفرنامه نویسان سخت‌تر هم می‌شد. تا جایی که حتی زنان فرنگی نیز اجازه ورود به اندرون را نداشتند زیرا مردم در دوره قاجار، زن نامسلمان را نیز چون مردان، نامحرم می‌دانستند. و بدتر از همه، فرد غیر مسلمان نجس هم شمرده می‌شد.

پس سفرنامه‌نویسان تنها قادر به ذکر اندکی از مراسم درباری و مراسم رایجی که بیرون از اندرونی‌ها برپا می‌شد و آن‌ها می‌دیدند، بودند. در خاطراتی نیز که توسط شاه‌زادگان نوشته شده بیشتر به مراسم مردانه رایج دربار پرداخته شده و در مورد زندگی زنان دربار بسیار کم صحبت شده است. زنان به علت منع آموختن سواد و در نتیجه عدم امکان خواندن و نوشتن، قادر به نوشتن خاطرات خود نبودند و از کتاب‌های خاطرات زنان قاجار، تنها چند کتاب که توسط زنان دانش‌آموخته‌ی درباری نوشته شده، باقی مانده است.

از میان این کتاب‌ها نیز تنها در یک کتاب است که به صورت نسبتاً جامع، در میان خاطرات به ذکر مراسم مختلف زنانه و چگونگی برپایی آن اشاره شده است. این کتاب، کتاب خاطرات مونس‌الدوله، ندیمه سوگلی ناصرالدین‌شاه، انیس‌الدوله، می‌باشد که در سال‌های پیری توسط این زن نوشته شده است.

در این پژوهش سعی بر آن است تا مراسم مختلف زنانه در این دوره گردآوری شده و شیوه انجام و برپایی هر کدام از مراسم ذکر گردد و سپس به جستجوی جنبه‌های نمایشی هر مراسم پرداخته شود. جنبه‌های نمایشی مراسم مختلف، ریشه‌های نمایش ملی و بومی هر سرزمین را تشکیل می‌دهند که با بررسی این مراسم به دست آمده در طول سال‌ها، می‌تواند تبدیل به نمایش‌های بومی شود. به نظر می‌رسد در ایران دوره قاجار، به علت جدایی اجتماعات مردانه و زنانه، نمایش‌ها و جنبه‌های نمایشی مراسم زنانه، شکل و صورت خاص و متفاوتی به خود گرفته‌اند که شاید بتوان گفت تاکنون توجه چندانی به آنها نشده است.

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با تکنیک کتابخانه‌ای انجام شده است. در ابتدا به شرایط خاص این دوره و موقعیت خاص زنان پرداخته و سپس به معرفی مراسم زنانه خواهیم پرداخت. در فصل اول به چگونگی انجام مراسم نذری اعم از پختنی‌ها، سفره‌ها و آجیل‌ها پرداخته می‌شود. در فصل دوم به توضیح جشن‌های مختلف مربوط به مراسم زایمان، تولد، ازدواج و اعیاد مذهبی پرداخته می‌گردد؛ همچنین به چگونگی برپایی مراسم سوگ مذهبی و سوگواری‌های مربوط به درگذشت نزدیکان پرداخته خواهد شد.

در فصل سوم، به مراسم مربوط به زندگی روزمره که بیشتر مراسم خرافی را تشکیل می‌دهند پرداخته خواهد شد. فصل چهارم به چگونگی برپایی مراسم مختلف زنانی می‌پردازد که در کاخ‌های سلطنتی زندگی می‌کردند و این مراسم زنانه که جنبه‌های تشریفاتی و درباری به خود گرفته اند توضیح داده خواهد شد. در فصل پنجم به توضیح مراسمی پرداخته می‌شود که تنها در موقعیت‌های خاص سلطنتی همراه با تشریفات بسیار انجام می‌شد. این مراسم به صورت زنانه اما با حضور شخص شاه انجام می‌گرفت و به همین علت به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل آخر به بررسی مراسم ذکر شده در فصل‌های مختلف و جست‌جوی نمایش‌ها و جنبه‌های نمایشی به کارگرفته شده در مراسم دارای این عناصر پرداخته خواهد شد و نمایش‌ها و جنبه‌های نمایشی به دست آمده ذکر و تقسیم‌بندی خواهد گردید.

## فصل ۲: پیشینه مطالعاتی:

### موقعیت زنان در دوره قاجار

## ۱-۲: ایران در دوره‌ی قاجار

قاجارها حدود یک قرن و نیم بر ایران حکومت کردند. «قاجاریه‌ی آنگونه که از مجموع شواهد و قراین برمی‌آید، طایفه‌ای از ترکمانان نواحی شرقی آناتولی و قفقاز بوده‌اند. قجران خود را میراث دار صفویه می‌دانستند و اصطلاحاً حکومتشان مذهبی بود.» (عبدالحسین زرین کوب، ۱۳۸۴: ۷۷۰) این سلسله توسط آغا محمد خان قاجار بنا شد. مقطوع النسل شدن او در سن شش سالگی توسط عادل شاه افشار از او شخصیتی عجیب و خونخوار ساخته بود. دوران پادشاهی او پر از جنگ و خونریزی و وحشت بود. وی حرص زیادی نسبت به جمع‌آوری ثروت و کشورگشایی داشت.

بسیار بدبین بود، بیماری صرع داشت و همچنین یک سردار توانای جنگی بود. او اعتقادات مذهبی داشت و حتی نماز شب می‌خواند. او در دوره‌ی پادشاهی خود دو بار به گرجستان، که قبلاً قسمتی از ایران به حساب می‌آمد حمله کرد و در دومین حمله توسط سه نفر از فراشان خود کشته شد و پس از او ولیعهدش، برادر زاده‌ی آغا محمد خان، فتحعلی میرزا به حکومت رسید.

فتحعلی شاه پس از سرکوب مدعیان حکومت در داخل کشور پایه‌های پادشاهی خود را محکم کرد. او پادشاهی عیاش و خوش گذران و زنباره بود و بیشتر اوقات خود را به تفریح و شکار می‌گذرانید. او انسانی خودنما بود و بسیار به ظاهر و ریش و لباسش می‌رسید. طبعی شاعر مسلک نیز داشت. او که زن‌های بسیاری داشت حکمرانی ولایات مختلف را بر عهده‌ی کودکان خردسال خود می‌گذاشت و نیاز به سخن نیست که وقتی کودکان سران بخش‌های مختلف مملکت شوند روزگار مردم چگونه می‌شود. در چنین شرایطی بود که روسیه به ایران حمله کرد و با وجود رشادت‌های عباس میرزا در نهایت تحت دو عهدنامه‌ی ننگین گلستان و ترکمنچای قسمت‌هایی از ایران جدا شد. همچنین در این دوره حملات دیگری از جانب عثمانی و افغان‌ها و ترکمن‌ها صورت گرفت که به شکست آن‌ها انجامید. عباس میرزا ولیعهد زودتر از پدر مرد و پس از فتحعلی شاه، محمد شاه به پادشاهی رسید.

محمد شاه پادشاهی صوفی نما، رنجور و بی تدبیر بود. او در اوایل پادشاهی خود وزیر با سیاست خود میرزا ابوالقاسم قائم مقام را کشت و معلم صوفی مشرب خود حاجی میرزا آقاسی، مردی ساده لوح و بی

کفایت را صدراعظم خود کرد. در دوران این پادشاه نیز جنگ‌های داخلی و خارجی ادامه داشت. او به هرات حمله کرد که پس از دو سال به شکست انجامید.

همچنین شورش‌ها و حملات دیگری از جانب عثمانی و خراسان صورت گرفت و در نهایت دوره‌ی پادشاهی او نیز چون پدران جز خونریزی و فقر و جهل و بیچارگی چیزی به دنبال نداشت.

پس از محمد شاه حکومت به ولیعهد ناصرالدین میرزا رسید. حکومت او بسیار طولانی بود و نیم قرن به طول انجامید و یک سوم از حکومت سلسله‌ی قاجار در پادشاهی او گذشت. دوران پادشاهی او دوران حکومت طولانی سکوت و استبداد و تملق بود. در این دوره نیز چون دوره‌های قبل (به خصوص سال‌های پادشاهی فتحعلی شاه) حکومت تمام بخش‌های ایران به دست شاهزادگان بود و بیشتر آنان از انجام هیچ ظلم و ستمی در حق مردم کوتاهی نمی‌کردند.

ناصرالدین شاه خود را بزرگ‌ترین مقام سیاسی و دینی ایران می‌دانست. او پادشاهی خوش گذران و عیاش بود، هم خود را ناصر دین می‌دانست و هم هر چه می‌خواست می‌کرد. عمر او به شکار و خوردن و هوسرانی در حرمسرا گذشت. او چون فتحعلی شاه بسیار به ظاهرش می‌رسید و بسیار اهل تشریفات بود و نیز چون جدش، حرمسرای بزرگی داشت که خود همچون یک شهر بود.

ناصرالدی شاه اهل هنر نیز بود، شعر می‌سرود و عکس می‌گرفت، و در واقع اولین عکاس ایران بود. او هم نماز می‌خواند، هم تعزیه و روضه خوانی برپا می‌داشت و هم مجلس شراب خواری. او چندین بار به فرنگ سفر کرد که نتیجه‌ای جز قرض به دو دولت روس و انگلیس در بر نداشت.

در دوران پدشاهی او زندان‌ها پر از مردمان معترض بود. هرگاه کسی اعتراضی می‌کرد یا او را گوش دماغ می‌کردند (گوش و بینی او را می‌بریدند و او را رها می‌کردند) یا می‌کشتند و یا زندان و شکنجه و یا تبعید می‌کردند. اگر کسی پیدا می‌شد که می‌خواست سروسامانی به وضع آشفته‌ی مملکت دهد به سرنوشت امیرکبیر دچار می‌شد، چون اصلاح و قانون و سروسامان دادن به مملکت، درب‌های دزدی و ستم و خیانت شاهزادگان را می‌بست.

ناصرالدین شاه پس از پنجاه سال حکومت بالاخره تصمیم گرفت در جشن پنجاهمین سالگرد پادشاهی - اش تغییری در مملکت ایجاد کند و به فکر مردم باشد! اما چند روز قبل از پنجاهمین سالروز پادشاهی، با شلیک گلوله‌ی میرزا رضا کرمانی کشته و در کتب مورخان دربار قجری از او به عنوان دومین پادشاه شهید قاجار (اولی آغامحمدخان بود) یاد شد.

با مرگ ناصرالدین شاه، ولیعهدش مظفرالدین میرزا به سلطنت رسید. او پیرمردی خردسال بود. رنجور و بیمار، کند ذهن، خرافاتی و ترسو بود. نمازش ترک نمی‌شد؛ از فسادهای اخلاقی اش نیز زیاد نوشته اند.



بزرگترین پیر مرادش، ملایی روضه خوان بود که هنگام رعد و برق و مواقع دیگر برایش بلند بلند دعا می‌خواند تا از او دفع شر کند.

با حاکمیت چنین پادشاهی، چگونگی وضعیت ایران آشکار است. مظفرالدین شاه با صفات مذکور، بهترین پادشاه برای نفوذ هرچه بیشتر روس و انگلیس در دربار ایران بود. و این کار با توجه به وابستگی درباریان به روس و انگلیس به راحتی صورت پذیرفت. عرصه بر مردم تنگ تر می‌شد و فقر و ظلم بیشتر و شرایط روز به روز به سمت پیروزی مشروطه پیش می‌رفت تا این که بالاخره شاه ده روز پیش از مرگ، فرمان مشروطه را امضا کرد.

پس از او محمد علی شاه بر تخت شاهی تکیه زد. او خود آغاز از طرفداران مشروطه بود اما پس از به سلطنت رسیدن، به مخالفت با مشروطه پرداخت. او برخی صفات بد قجران، چون زنجاری و عیاشی را نداشت، اما استبداد او با مشروطه جور در نمی‌آمد و بالاخره مورد سوءقصد مشروطه خواهان قرار گرفت؛ اما این سوءقصد ناکام ماند. شاه نیز نامه‌ای سربسته برای استخاره نزد آخوندی معتبر فرستاد. پشت پاکت سربسته برای تملق نوشته شد خوب است و شاه مجلس را به توپ بست.

دوره‌ی یک ساله استبداد حاکم شد که با قیام‌های مردم شکسته شد با این قیام دوره پادشاهی محمد علی شاه سر آمد. و دوره‌ی پادشاهی آخرین شاهزاده‌ی قاجار فرا رسید. احمد شاه، پادشاهی کم سن و سال که عادت داشت با انبری که در آتش می‌گداخت گوش هر که را که از کنارش رد می‌گذرد بگیرد.

## ۲-۲: خلیفه گرایی دربار قجر و عرب زدگی عامه

به نظر می‌رسد شکوه و عظمت دربار خلفای اموی و عباسی، الگویی برای زندگی درباری بسیاری از پادشاهان قاجاری بوده است. میل به ازدواج های متعدد و تشکیل دربخانه، شکلی از حرمسرای خلفای عباسی را به ذهن متبادر می‌کند. عنوان سلطان بن سلطان، و خاقان بن خاقان برای فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه، همینطور اعطای القاب کاملاً با ریشه عربی ...السلطان و ...الملک و ...الممالک همه موید این ادعاست. جامعه‌ی آن دوره هم به دور از این رویکرد و علایق اشرافی، خود به دلیل نفوذ مذهبی جاری توسط متشرعین و روحانیون، راهی چندان متفاوت از طبقه اشراف و دربار را نمی‌پیماید. اگر در طبقه بالا، زن مجلس آرا و زینت المجالس دربار و دربخانه و حرمسراست در طبقه پایین تر هم وظیفه‌ی زنان تنها انجام کارهای خانه و به دنیا آوردن و بزرگ کردن فرزند بود. دختری برای بردگی یا پسری برای برده داری. داشتن دختر ننگ به شمار می‌آمد. دختران را در سنین بسیار کم شوهر می‌دادند و گاه دختر بچه‌ای را به

پیرمردی شوهر می دادند. مردان از هر قشر و طبقه می توانستند هر چند زن که بخواهند تحت عنوان صیغه اختیار کنند و کمتر زنی پیدا می شد که هوو نداشته باشد.

صیغه ی زنان به راحتی پس خوانده می شد و آن ها هیچ گونه حق و حقوقی نسبت به مرد خود نداشتند و مردان هر وقت از زنی خسته می شدند به راحتی او را از خانه بیرون می انداختند. این کار عرصه را بر آنان تنگ تر می کرد و باعث می شد تمام تلاش و توان خود را برای راضی نگاه داشتن شوهر از خود به کار بندند و حتی به جادو و جنبل متصل شوند تا بتوانند مهر شوهر را برای خود بخرند و از ننگ طلاق جلوگیری کنند.

«زنان حق آموختن سواد نداشتند و در جهل و بی خبری به سر می بردند. آن ها از کوچک ترین حق و حقوق انسانی خود بی اطلاع بودند؛ حق خروج بدون اجازه از خانه را نداشتند و حتی بسیاری از زنان در خانه هایی با دیوارهای بلند که بیشتر به قلعه می مانست تا خانه، زندانی بودند و اجازه ی خروج از خانه را نداشتند.

«حتی سفره های غذا و نیز جشن ها، در اندرونی و بیرونی جدا از هم بود. زنان در اندرون و مردها در تالار خانه غذا را صرف می کردند.» (بشری دلریش، ۱۳۷۶: ۳۳)

زنانی که می توانستند پس از گرفتن اجازه از خانه بیرون روند حق نداشتند با روی باز در جامعه حضور پیدا کنند و چون لکه ای سیاه در کوچه و خیابان حرکت می کردند. مرد حق کتک زدن زنانش را داشت و حتی اگر سوءظن نسبت به زنی پیدا می کرد، به راحتی می توانست او را بکشد.

«فتحعلی شاه سوگلی زیبایی داشت که اسم اش نوش لب خانم بود. فتحعلی شاه آنقدر به این نوش لب خانم علاقه مند بود که برای او عمارت جداگانه ساخته بود. چون این عمارت بیرون شهر بود، برج بلندی برای آن درست کرده بودند که هر شب چند نگهبان مسلح بالای آن برج کشیک می دادند. از آن گذشته، هر وقت که از زنی مثلا کار بدی می دیدند یا می شنیدند، آن زن بدبخت را با چادر چاقچور از بالای برج نوش پایین می انداختند. همین قدر بس بود که یک خواجه ی اندرون یا دو سه تا کلفت و گیس سفید، راست و دروغ بگویند که این زن با فلان غلام یا پیشخدمت راه دارد. نه سؤالی، نه جوابی، نه بازخواستی؛ هیچ چیز در کار نبود.» (مونس الدوله، ۱۳۸۰: ۲۹۲)

ظلم و ستم آزار و کشتار و بردگی زنان در طول سالها و آگاهی برخی از آنان در دوره ی مشروطه باعث شد که برخی از آنان نیز چون مردان به نهضت مشروطه بپیوندند. «البته در دوره ی مشروطه هم پاره ای وقت ها زن ها را می آوردند میدان توپخانه توی جوال می انداختند و به قصد کشت شلاق می زدند.» (مونس

الدوله، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

در برخی موارد نیز از زنان تنها به صورت کالا استفاده می‌شد. دالمانی از نوعی ازدواج در زمان مظفرالدین شاه می‌نویسد: «در ایالات گیلان و مازندران در موقع برداشت محصول برنج و توتون و زیتون و ابریشم، دهقانان با چندین زن ازدواج موقت می‌کنند و آنها را به کارهای زراعتی وا می‌دارند و همینکه زمستان نزدیک شد و دیگر کاری ندارند و مدت قراردادی هم به پایان رسیده است، این بدبختان را از خانه‌ی خواجه بیرون می‌کنند.» (مهرآبادی، ۱۳۸۶: ۲۴)

اما همچنان زنانی پیشرو تلاش کردند خود را از اسارت زندگی سیاه و پر ملال گذشته برهانند ولی در برخی موارد نیز این تلاش به بیراهه می‌رفت.

کولیوررایس از دوره‌ی احمد شاه می‌نویسد: «زن انگلیسی برایم تعریف می‌کرد که در لاله زار، معروف ترین خیابانی که مردم تهران برای خرید به آن جا می‌روند، زنی ایرانی را دیده که روی لباس معمولی خود، کرسست بسته بوده است.» (مهرآبادی، ۱۳۸۶: ۴۸۲)

## ۲-۳: اندرونی‌های قاجار

یکی از تشریفات پادشاهان ایران از باستان تا قاجار، گرد آوردن زنان در اندرون کاخ‌ها بود. این رسم در دوره‌ی قاجار همه گیر شده بود و نه تنها در دربار شاهان بلکه در دربار همه شاهزادگان و وزیران و امرا و حتی در خانه مردمان مختلف رواج فراوان یافته، و بخش اندرونی خانه‌ها را به خود اختصاص داده، آدابی خاص پیدا کرده و قانون‌هایی سخت برای خود وضع کرده بود.

اندرون‌ها بسیاری انسان را اسیر خود کرده بود، عمر بسیاری را گرفته بود و بسیاری را ناقص کرده بود. خواجهگان، کنیزان و زنان عقدی کسانی بودند که عمرشان در حرمسرا می‌گذشت. «کنیز موجود فلک زده‌ای بود که کمترین حق و حقوقی نداشت، صاحب او اختیار دار زندگی و مرگش بود. از او کار می‌کشید؛ تازیانه اش می‌زد؛ اجاره اش می‌داد؛ و اگر زیبا بود، تصاحب اش می‌کرد.» (مونس الدوله، ۱۳۸۰: ۲۹۸)

کنیزان، خدمتکاران زنان اندرون بودند، خواجهگان که اربابان در حق آنها ظلم کرده و آنها را خواجه می‌کردند، نگهبانان زنان و رابط اندرون و بیرون بودند و زنان زندانیان و برده‌های هوسرانی‌های مردان. پولاک پزشک عصر ناصری می‌نویسد: «زنان حرم و نوکران بی کار و عار هستند که در اکثر اوقات به مدت طولانی و مکرر قلیان می‌کشند و از این رهگذر دچار غشی هستند.» (مهرآبادی، ۱۳۸۶: ۲۱۵)

## ۲-۳-۱: آغامحمدخان، اولین حرمسرا دار قاجار

بزرگ ترین اتفاق زندگی که سر رشته اصلی جنایت‌های این پادشاه نیز بود خواجه شدن او در کودکی بود. این پادشاه برای کوتاه کردن سخنان دشمنان که او را خواجه می‌خواندند حرمسرای تشکیل داده بود و زنان را در آن نگاه می‌داشت.

«شاه شهید شب زنده دار بود و در نماز شب زیاد گریه می‌کرده است. از پوشیدنی و نوشیدنی و سایر فقرات لذت‌های دنیا به چیزی مقید نبوده جز نگهداری رعیت و افزونی مملکت. با آنکه عضو مردی نداشت زن‌های متعدد در حرمخانه‌ی او بودند. هر زنی را که به خلوت می‌خواست از شدت شوق او را با دست و دندان زیاد اذیت می‌کرد و هر وقت حالت خوشی از برایش دست می‌داد و دماغی داشت دو تار می‌زد، که زدن این ساز در میان تراکمه معمول است، می‌زد.» (سعدوندیان، ۱۳۸۷: ۸۰)

## ۲-۳-۲: فتحعلی شاه، بابا آدم قاجار

فتحعلی شاه برخلاف آغامحمد خان پادشاه عقیم قاجار، توانایی جنسی تعجب برانگیزی داشت. توان او تا حدی بود که حرمسرای بزرگی ساخت و بخش اعظم عمر خود را به هوسرانی و زاد و ولد و برپایی آداب و رسوم اندرونی پرداخت. «خرسواری زنان در داخل قصر، برایش یک تفریح سالم بود و تماشای ورق بازی آن‌ها درحین این سواری آن را برایش خنده انگیز هم می‌کرد. سرسره بازی آن‌ها، به شیوه‌ای که از جریان رویدادهای حرمخانه اش نقل می‌شد ظاهراً برای او نوعی ارضای شهوت هم بود.» (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۷۸۲)

«حرمسرای وسیع او که تعداد زنانش بنا بر مشهور روی هم رفته بر یک هزار زن بالغ می‌شد با جمع فرزندان و نوادگان به دو هزار تن می‌رسید.» (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۷۹۴) به همین علت این پادشاه به «آدم ثانی» نیز مشهور شد.